

نمادپردازی «گره» با توجه به کهن‌الگوی «پیوند مقدس»^۱

خلیل حکیمی فر^۲

استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان،

زاهدان، ایران

ولی‌الله نصیری

استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد،

ایران

چکیده

در طول تاریخ بشری، برخی از گره‌ها ارزش قدسی فراوانی داشته‌اند. از قرن نوزدهم، این مسأله، مورد توجه مورخان ادیان قرار گرفت. این مطالعات، از فریزر تا الیاده، بیشتر بر مبنای اعمال و اعتقادات جادویی و به‌ویژه با رویکرد نمادگرایی انجام و در سال‌های اخیر، در آن‌ها بر ارزش نمادین گره‌ها و کارکردهای‌شان در متن زندگی روزمره تمرکز شده است. هدف در این پژوهش، بررسی گره‌های مقدس، از منظر گستردگی جغرافیایی و فرهنگی، از عقاید اسطوره‌ای تا دینی و معنی نمادین آن‌هاست تا به وجه مشترک و قالب کلی آن‌ها در زمینه‌های متفاوت دست یافته شود. به نظر می‌رسد گره‌های مقدس که حاصل فعالیت انسان‌ها برای تأثیرگذاری بر عوامل ماورای طبیعی هستند، در چارچوب کلی پیوندها و پیمان‌های مقدس درک‌شدنی‌اند. گره، هم‌چون میثاق در ادیان ابراهیمی، نشانی از یک پیوند به همراه پیمانی رسمی، حیاتی و خطیر که تأثیری تعیین‌کننده بر حیات انسان داشته است. این تحقیق، از نوع تحقیقات کیفی و با استفاده از منابع مکتوب نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها

نماد، گره، کهن‌الگو، پیوند مقدس.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): kh_hakimifar@theo.usb.ac.ir

۱. مقدمه

نماد در لغت به معنای مظهر، علامت و نشانه است. نمادها یا نشانه‌ها، پدیده‌های ملموس و مشهودی‌اند که جانشین یک پدیده غایب می‌شوند و بر آن دلالت می‌کنند. نمادها در زندگی تعاملی بشر، نقش مهمی دارند. آنچه به واسطه نمادها بیان می‌شود، واژگانی ژرف، عمیق و رازناک هستند.^۱ به عقیده برخی از نظریه‌پردازان، نمادها و نشانه‌ها ماهیت زبانی دارند و برای بیان و انتقال معانی و به‌طور کلی برای ایجاد ارتباط به کار می‌روند. گلیفورد جیمز گیرتز^۲ (۱۹۲۶)، انسان‌شناس آمریکایی و از بنیان‌گذاران روش تفسیری در این علم، نماد را چیزی می‌داند که می‌تواند به جای چیز دیگری بنشیند و آن را بازنمود یا بیان کند یا می‌تواند به‌عنوان نوعی نمودار یا راهنمای آنچه باید انجام گیرد، عمل کند. از نظر او هر شیء، عمل و رویدادی، می‌تواند یک نوع نماد باشد؛ به شرط آن‌که بتواند در ضمن یک ارتباط، معنا ایجاد کند؛ به عبارت دیگر، «معنا تنها زمانی ظاهر می‌شود که رابطه‌ای در کار باشد».^۳ در واقع، همان‌گونه که گیرتز می‌گوید: «آنچه از طریق نماد منتقل می‌شود، معناست و نمادها حاصل معانی هستند».^۴ پل ریکور در تعریف نماد می‌نویسد: «نماد عبارت است از هر ساختار دلالی که علاوه بر معنای مشخص و مستقیم اولیه و تحت‌اللفظی، معنا یا معانی دیگری دارد که غیرمستقیم، ثانویه و مجازی است و این معنای دیگر تنها از طریق معنای نخست به دست می‌آید».^۵

نمادها با ادیان بسیار مرتبط هستند. دین به ماورای عالم ماده مربوط می‌شود و نمادهای دینی، «نشانه‌هایی هستند که در قالب امور محسوس به امور نامحسوس اشاره

۱. فولادی، محمد، حسن‌پور، مریم، «نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر؛ تحلیلی جامعه‌شناختی»، مجله معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال ششم، ۱۳۹۴ش، ش ۴، ص ۱.

2. Clifford James Geertz

۳. همیلتون، ملک، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نیان، ۱۳۷۷ش، ص ۲۷۵.
۴. فکوهی، ناصر، «نگاهی بر رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تاکید بر تفسیر او از پدیده دینی»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۳۱، پاییز ۱۳۸۶، ص ۱۱۳.
۵. برکاتی، سیده اکرم، علمی سولا، محمد کاظم، «بررسی رابطه مفهوم نماد و استعاره در اندیشه ریکور»، فلسفه، سال ۴۳، ش ۲، ۱۳۹۴، ص ۵.

دارند.^۱ رمز ماندگاری بسیاری از ادیان، برگزاری آیین‌های دینی است و برگزاری آیین‌ها، رابطهٔ تنگاتنگی با نمادها و عناصر مقدس دارد. این عناصر و نمادهای مقدس در هر دینی با توجه به نوع دین و شرایط اجتماعی و طبیعی متفاوت و متنوع‌اند. بر این اساس، گیرتز، دین را با پنج گزاره بدین صورت تعریف می‌کند: «دین عبارت است از: ۱. نظامی از نمادها که ۲. از طریق شکل‌دادن به مفاهیم کلی جهان هستی، ۳. خلق و خوها و انگیزه‌های قوی و فراگیر در انسان را شکل می‌دهد و ۴. این مفاهیم با پوششی از واقعیت‌بودگی به گونه‌ای درمی‌آید که ۵. خلق و خوی‌ها و انگیزه‌های مزبور به صورت تنها واقعیت‌های ممکن درمی‌آیند».^۲ بنابراین، نمادهای دینی، هم موقعیت ما را در جهان بیان می‌کنند و هم به این موقعیت شکل می‌بخشند. این نمادها از طریق القای تمایلاتی در انسان‌ها به‌منظور رفتارکردن به شیوه‌های معین و ترغیب حالت‌های خاص در آنان، به جهان اجتماعی شکل می‌دهند؛ برای مثال، این نمادها، می‌توانند به عبادت‌کنندگان وقار، متانت و نظایر آن را ببخشند یا سرمستی، شادمانی و هیجان را در وجود آنان برانگیزند.

۲. نماد گره

از نمادهای رایج و قدیمی در بین انسان‌ها، نماد گره است. گره، نمادی بسیار باستانی است که تقریباً در متون، افسانه‌ها و اسطوره‌های تمام فرهنگ‌ها آمده است. «گره، نمادی پیچیده است که دارای چندین معنای مهم است که همهٔ آن‌ها به ایده‌های بنیادی مربوط می‌شوند».^۳ این نماد، نشانی از یک پیچیدگی، پیوند، نذرها و رازهای نهان است. در اصطلاح عامیانه، به معضل یا مانع جدی هم گره یا گره کور گفته می‌شود. هم‌چنین گره سبب پیوند و عقد میان زوج‌ها می‌شود. «گره‌زدن دو سر باز طناب یا نخ، اشاره به نهایی شدن توافقی دارد که پیش‌تر انجام شده و در نهایت، گره‌زدن نشانی از عهد و پیمان است».^۴ «گره، نشانه‌ای برای

۱. کاظمی، لیلا، «فلسفه نمادها و علت کارکرد آنها در آیین‌ها»، فصلنامهٔ زیباشناخت، ش ۲۳، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹.

2. Geertz, C., *Religion as a Cultural System*, in, Banton, M. (ed.), *Anthropological approaches to the study of Religion*, Tavistock Publications, 1966, p.4.

3. Cirlot, J. E., *A Dictionary of Symbols*, Translated from the Spanish by Jack Sage published in the Taylor & Francis e-Library, Second Edition, 2001, pp.172-173.

4. Panek, Joseph, <http://www.aseekersthoughts.com/2010/08/knot-as-symbol->

بی‌نهایت بودن است و همین مسأله، رابطه میان گره و اندیشه بی‌نهایت بودن یا در واقع، رابطه گره را با ظهور بی‌نهایت تأکید می‌بخشد.^۱ «گره، نماد وصلت دو نفر، دو گره اجتماعی و حتی پیوند کیهانی با زندگی نخستین است.»^۲ در عین حال، «گره، نماد تداوم، پیوستگی، میثاق، تقدیر و آنچه بشر را به سرنوشتش می‌پیوندد، است.»^۳

پیش‌تر مطالعات پژوهش‌گرانی چون جیمز فریزر،^۴ ایزیدور شفتلوویتز،^۵ والتر جی دیلینگ،^۶ ژرژ دومزیل^۷ و میرچا الیاده^۸ در این زمینه بسیار راهگشا بوده است. آنان تلاش زیادی برای جمع‌آوری داده‌هایی کرده که بعدها موضوع مطالعات تطبیقی-تاریخی شده‌اند. از این میان، افرادی چون فریزر و دیلینگ، به موارد خاص در فرهنگ‌های خاص پرداخته و برخی مانند دومزیل، مطالعه خود را به حوزه فرهنگی مشخص محدود کرده‌اند. در این بین، الیاده کسی بود که پدیدارشناختی گره‌ها را با این اعتقاد که نظم جهانی توسط انواع مختلف گره و بافتن ایجاد می‌شود، مطرح کرد؛ از این رو، مفهوم مورد نظر الیاده در مورد کیهان بافته شده نیاز به توضیح بیشتری دارد.

تصور آفرینش به‌عنوان یک کل و محصول برخی از فعالیت‌هایی از نوع اتصال، شامل گره‌زدن، بستن و بافتن، تصور بسیار شایعی است؛ برای مثال «در اسطوره‌های پیدایش چندین فرهنگ اولیه، تصور از خالق، درست مثل تصور از یک عنکبوت است که جهان را می‌بافد.»^۹ از این روست که بسیاری از پیوندها، کارکرد کیهانی دارند؛ برای نمونه «در گالای

html, 2010, p.1.

۱. سرلو، خوان ادواردو، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران، انتشارات دستان، ۱۳۹۲ش، ص ۶۵۳.

۲. شوالیه، زانن و گبران، آتن فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران، نشر جیحون، ج ۴، ۱۳۷۹ش، ص ۷۲۳.

۳. کوپر، جی.سی، فرهنگ نمادهای آیینی، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۸ش، ص ۳۳۰.

4. James G. Frazer

5. Scheftelowitz, Isidor

6. Walter J. Dilling

7. Georges Dumézil

8. Mircea Eliade

9. Piccaluga, Giulia, Translated from Italian by Roger DeGaris Revised Bibliography <https://www.encyclopedia.com/environment/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/knots>, 1987, p.3.

غرب^۱، رنگین‌کمان به‌عنوان کمربندی تعبیر می‌شود که وجود متعال، لباس خود را با آن می‌بندد. در این کیهان بافته‌شده، خالق به انسان آموخته است که چگونه الیاف، طناب و بند را بسازد و به این ترتیب، بر ابرهای وحشی و پراکنده مسلط شود و تا حدی آب و هوا را در کنترل خود گیرد. هم‌چنین، در ابتدای خلقت از طناب برای کنترل خورشید استفاده شد. نزدیکی و دوری بیش از حد باعث گرما یا سرمای شدید می‌شد و انسان‌ها آن را تنظیم کردند و طناب‌های آن را در جاهای مختلف بستند. ماه نیز به همین صورت شد. در مورد ستارگان، روزی طناب بافته‌شده بین زمین و آسمان پاره گشت و آن‌ها پراکنده شدند.^۲ گره‌ها و بافت‌های این جهان، گوناگون است و تفاوت میان حیوانات و جانداران به‌خاطر تفاوت در همین بافت‌ها و گره‌هاست. در مورد انسان، گره‌های مختلف بدن او، وضعیت او را تعیین می‌کنند. «پومو از شمال مرکزی کالیفرنیا بیان می‌کند که ماروندا، نخستین انسان‌ها را با بافتن و گره‌زدن موهای خودش آفریده است؛ در حالی که در بین ملانیان جزیره موتا، این بافتن را به زنی باستانی به نام *Ro Vilgale* (پیوند فریبنده) نسبت می‌دهند.»^۳ گره درست مانند عدد هشت انگلیسی بر ایدهٔ بی‌نهایت اشاره دارد یا بهتر بگوییم تجلی بی‌نهایت است. «در بودیسم چین، گره به صورت عدد هشت، نماد خوش‌شانسی است که نمایانگر طول عمر است.»^۴ از طرف دیگر، انسان اولیه ممکن است با استفاده از طنابی از آسمان پایین بیاید که بریده‌شدن این طناب موجب مرگ او خواهد شد. موجودات فوق‌بشری که سرپرستی بافندگی دارند، برای پوشاندن برهنگی، به این انسان‌های نخستین، پنبه دادند و به آنان آموختند که ببافند و بپوشند.

از این بررسی مختصر، باید مشخص شود که گره‌ها و انواع رشته‌ها، نه تنها از منظر تاریخی، بلکه در رابطه با فناوری فرهنگ مورد نظر نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در پشت نقوش گره‌ها، انسان است که دقیقاً به‌واسطهٔ توانایی خود برای پیوند دادن چیزها با یکدیگر، خود را از بدبختی‌های بیکران و محدودیت‌های بی‌شمار نجات می‌دهد. او از طناب‌هایی استفاده می‌کند که در زندگی به او یاری می‌رسانند. او از جاروها و گره‌ها کمک می‌گیرد تا

۱. منطقه‌ای است در جنوب سری‌لانکا.

2. Ibid, p.3.

3. Ibid.

4. Cirlot, pp.172-173.

بتواند ستاره‌ها را تصرف کند و آن‌ها را به نفع خود حرکت بدهد. سبد را می‌بافد تا در آن خودش را از سیل نجات دهد. کوتاه سخن این‌که، او می‌خواهد بدین وسیله بر موقتی و میرا بودن خودش فایق آید. «بشر با آگاهی از توانایی‌های خود سعی می‌کند خلاقیت‌های فکری و هنری خود را به سطح کیهانی سرایت دهد و با استفاده از ابزارهایی، واقعیت‌های عظیم را تحت کنترل خود درآورد. این خود نشان‌دهنده بی‌اعتمادی انسان به سرنوشت بوده است»^۱.

نتیجه تحقیقات اوایل قرن حاضر نشان‌دهنده این بود که عمل مقدس گره‌زدن یا بازکردن آن، بسته به شرایط خاص و انگیزه‌های عامل آن، آثار منفی یا مثبت دارد. نمونه‌های بی‌شماری از انواع گره در فرهنگ و تمدن‌های بدوی و پیشرفته مدنظر قرار گرفت و شکل‌های مختلف آن‌ها، از جمله گره‌های آیینی و غیرآیینی، گره‌هایی که توسط موجودات فرانسائی و برخوردار از الهام و نیز توسط انسان‌های عادی زده شده بود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. معلوم شد که هدف اصلی از گره‌زدن با شکل‌های مختلف این است که انسان قدرت کنترل خود بر هستی را افزایش دهد؛ با وجود این، در تمام این توضیحات، انگیزه‌های عمیق‌تر در پس این عمل چندان کاوش نشده بود. بارزترین نمونه آن، طناب‌های گره‌زده‌ای است که در بسیاری از جوامع ابتدایی به‌عنوان ابزاری برای ساماندهی و ذخیره اطلاعات استفاده می‌شده است. در گره‌های ایجادشده در طناب‌ها، اغلب از رنگ‌های مختلف برای نشان‌دادن اعداد، اشیاء، اشخاص، موقعیت‌ها، اقدامات و موارد دیگر استفاده شده است. «وجود این گره‌های طناب، در حل مشکلات خاص طبیعت، کاربردی بسزا دارد؛ زیرا آن‌ها توانایی انسان را در شمارش، ثبت و به‌طور کلی در سازماندهی و برقراری اطلاعات گسترش می‌دهند»^۲. نتایج به‌دست‌آمده از این روش‌ها، از فریزر تا الیاده، «بیشتر بر مبنای اعمال و اعتقادات جادویی و منحصرأ با رویکرد نمادگرایی بوده است. اما آنچه تاکنون به اندازه کافی مورد مطالعه قرار نگرفته است، ارزش نمادین گره‌ها و کارکرد آن‌ها در متن زندگی روزمره است»^۳.

به لحاظ کارکرد گره در زندگی انسان‌ها، می‌توان گفت گره دو جنبه منفی و مثبت

1. Piccaluga, p.3.

2. Ibid, p.1.

3. Ibid.

دارد: در جنبه منفی، گره به معنی معضل یا مشکلی است که به راحتی حل شدنی نیست؛ اما از جنبه مثبت، گره به معنی آرمان‌های ارزشمند و تعالیم باطنی است که پیوندهای معنوی را تقویت و شر شیاطین را دفع می‌کند.^۱ الیاده نیز در تأیید این تقسیم‌بندی، گره‌های مضر را گره‌هایی می‌داند که نمادی از عمل ساحرانه و برای عمل خصمانه است و گره‌های مفید، آن‌هایی هستند که برای دفاع در برابر حیوانات وحشی، شیاطین و سحر و جادو به کار برده می‌شدند.^۲ در یک تقسیم‌بندی دیگر، گره تجسم ثبات یا انسجام است که هر چیزی می‌تواند به وسیله آن در برابر فرسایش و تغییر وضعیت، خود را حفظ کند و در سطحی عمیق‌تر، گره به معنی رازهای نهان و نشانی از رازناکی است.^۳ نظر دیگر در این خصوص، این است که «گره، عامل ارتباط حالت‌های گوناگون است. این ارتباط نه تنها شامل اجزای یک پدیده، بلکه عامل پیوند آن پدیده با اصل آن است. در کل این ساختار، گره نشانگر نقطه‌ای است که فعالیت نیروهای مختلف در آنجا اجتماع و انسجام می‌یابند».^۴ محاسبه زمان مقدس و نامقدس را نیز می‌توان با استفاده از گره‌های بسته‌شده به طناب در فواصل زمانی مشخص مدیریت کرد. نگاه ساده به چنین طنابی کافی است تا فرد بتواند وضعیت را بفهمد و مناسب زمان عمل کند. مارتین پی. نیلسون، نشان داده است چگونه فرهنگ‌های مختلف بدوی، از چنین طناب‌هایی برای تعیین مدت قاعدگی (برای مثال نائورو جزایر گیلبرت)، زمان اجرای حکم قصاص (گوگو تانزانیا)، مدت اجرای رقص‌های آیینی (میوک کالیفرنیا) یا روزهایی که باید به جشن یک جشنواره بزرگ اختصاص یابد، (ملایبیان جزایر سلیمان) استفاده می‌کردند. در همه این موارد، از گره‌ها برای کنترل واقعیتی استفاده می‌شود که انتزاعی، لغزان و گریزان است. گناه، زمان یا سرنوشت، با اجتماع در گره، تحت کنترل کسی قرار می‌گیرند که آن گره را ایجاد یا رفع کند.^۵

علاوه بر این، فناوری در هر دوره و تمدنی، نه تنها در تلاش است تا بر جهان کنترل

1. Panek, p.1.

2. Eliade, Mircea, *Images and Symbols*, Studies in Religious Symbolism, Translated by Philip Mairet, Published by Sheed Andrews and McMeel Inc, 1961, p.110.

3. Silver, Sam, *Witch's Knot*, <http://nordicwiccan.blogspot.nl/2014/01/witchs-knot.html>, 2014, p.31.

4. Dillings, Walter, J., *Encyclopedia of Religion and Ethics*, Edited by James Hastings, Edinburg: t & t. Clark, Vol.7, 1914, p.51.

5. Piccaluga, p.2.

داشته باشد، بلکه با فراهم آوردن ابزارهای جدیدی که بشر برای مقابله با مشکلات زندگی بدان‌ها نیاز دارد، خلاقیت انسان را تقویت می‌کند. ساخت چنین لوازم جانبی، مستلزم ایجاد ارتباط و پیوند بین مواد و اجزا و امور بسیار گوناگون است. فناوری اتصال با جابجایی تمام ابزارها و شکل‌ها از حوزه نامقدس به حوزه مقدس دارای اهمیت فراوان می‌شود. این جابجایی در مناسک جادویی و از طریق ارائه ارزش و قدرت فوق‌العاده به گره‌ها انجام می‌شود. آنچه به دست می‌آید «خدایی است که پیوند می‌دهد» و مسلح به طناب، رشته و تور است و مهم‌تر از همه، این‌که شکوه و عظمت یک جهان که با استفاده از هنر بافندگی ایجاد شده است.^۱

۳. معانی مختلف گره

همان‌گونه که الیاده اشاره می‌کند، معنای نمادین گره‌ها همیشه «بد» نیست. گره‌ها معنای متضادی دارند: «آن‌ها هم به معنی ایجاد بیماری هستند و هم به معنی درمان. می‌توانند به معنی جادو باشند یا در برابر جادو محافظ باشند. مانع از زایمان شده یا تسهیل‌کننده آن باشند. نوزادان را حفظ یا آنان را بیمار کنند. موجد مرگ یا مانع از آن باشند؛ به‌عنوان مثال، گره نامتناهی در ادیان چین و تبت بودیسم، یکی از آن‌هاست که هشت نماد خوشبختی در آن وجود دارد و گره هشتم که نماد نامتناهی است و به صورت دو حلقه نمایش داده می‌شود، نمایانگر اتصال به هم پیوسته روح و ماده، دنیای درون و بیرون زندگی است».^۲

یکی دیگر از این‌گونه نمادپردازی‌ها می‌تواند با تور انجام شود. «احساسی از بافت‌گونگی، شبکه‌اندیشی، پیوندهای سفت و سخت و به‌ویژه حس مربوط به شبکه پیچیده عصبی از این قبیل هستند. در عالم خارج نیز انتظارها، تعهدها، توهم‌ها، فریب‌ها و گرفتاری‌ها انسان از جمله این موارد هستند؛ به‌عنوان مثال، ممکن است فردی مجذوب و مبهوت کسی باشد و به نوعی اسیر و شیفته او شود».^۳

«ماهی‌گیران جزایر شتلند بر این باورند که می‌توانند بادها را با استفاده جادویی از

1. Ibid.

2. Eliade, p.110.

3. Metzner, Ralph, "Knots, Ties, Nets and bond in Relationships", *The Journal of Transpersonal Psychology*, Vol. 17, No.1 San Francisco, California, 1985, p.1.

گره‌ها مهار کنند؛ در این‌جا، ارتباط‌های جادویی بستن و پیچیدن که بخشی از نمادپردازی گره را تشکیل می‌دهد، در آیین‌های جادوگرانه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند.^۱

در تمدن‌های باستانی، سخن از خدایانی رفته است که برای بستن دیوها و اهریمنان و نیز برای آوردن بیماری و مرگ به میان انسان‌ها از طناب استفاده می‌کردند. این‌ها خدایان تقدیر بودند؛ مثل ایندیره در هند، اورانوس در یونان و اودین در اسکاندیناوی. اغلب، این سه الهه مربوط به اسطوره‌های بسیار قدیمی هستند که سرنوشت افراد را می‌بافند؛ یکی شروع به بافتن می‌کند، یکی آن را ادامه می‌دهد و دیگری، آن را با مرگ می‌کشد. سرنوشت چنین‌الگویی است که گریز از آن امکان‌پذیر نیست.^۲

۳.۱. ایجاد گره برای حفاظت از شر

در بسیاری از موارد، انتظار کارکرد مثبت از گره، با گره‌زدن یا ایجاد پیوند است. نمونه روشن را می‌توان در گره جادویی دید. گره جادویی را می‌توان در یک خط مداوم ترسیم کرد؛ بدین معنی که می‌توان گره را بدون نیاز به برداشتن قلم از روی کاغذ ترسیم کرد. این امر باعث می‌شود که گره به نماد حفاظت تبدیل شود. در تاریخ، جادوگران از تارهای گره‌زده برای «پیوندادن» آب و هوا و ایجاد محیط محافظ استفاده می‌کردند.^۳

«گره‌زدن و طلسم و تعویذ به برخی از درختان و گیاهان مانند اسفند و شاه‌پسند، علاوه بر خواص دارویی و درمانی، برای بهره‌مندی ساحران و جادوگران از این گیاهان در انجام اعمال جادویی خود نظیر باطل کردن سحر و خنثی کردن طلسمات است.»^۴ «این ارتباط ساحران و جادوگران با موجودات وهمی و رابطهٔ آن‌ها با نیروهای مرموز گیاهان به چشم می‌خورد. گاهی حتی پیرامون درختان، گل‌ها و گیاهان جذاب و زیبا نیز باورهایی دربارهٔ قوای اهریمنی آن‌ها یا قابلیت‌های مرگ‌آسای آن‌ها وجود دارد.»^۵ ابوریحان بیرونی در کتاب *آثار الباقیه* آورده است: «مردم طبرستان در مراسم باران‌خواهی از گیاه سیر استمداد

۱. همان.

2. Metzner, p.1.

3. Silver, p.14.

۴. متین، پیمان، *مردم گیاه (گیاهان آیینی در فرهنگ و فولکلور ایران)*، تهران، نشر فرهامه، ۱۳۹۲ش، ص ۱۶۳.

5. Friend, Hilderic, *Flowers and Flower-lore*, Oxford: Oxford University press, 1884, pp.529-530.

می‌جستند و باور داشتند اگر در قله کوه‌های طبرستان سیر بکوبند، باران خواهد بارید.^۱ بسیاری از افراد در قرون وسطی گره جادوگر را بر سر درهای ورودی خانه‌ها و اصطبل‌ها حک می‌کردند تا از ورود نیروهای شر به درون ممانعت کنند. در دورهٔ مدرن، گره را در پشت تصویری از خود یا روی بدن ترسیم می‌کنند. هدف از آن، تمرکز انرژی‌های مثبت و محافظ روی انسان بوده است. یک قدرت جالب که به جادوگران نسبت داده می‌شد، توانایی کنترل باد با اتصال سه گره به طناب یا دستمال بود. وقتی به روش جادویی مناسب، سه گره زده می‌شد، باد در آن‌ها ضبط می‌شد. گفته شده است جادوگران لاپلند، گره‌های باد را به ملوانان می‌فروختند. اعتقاد بر این بود که با وجود این جادو، بادِ موافق خواهد وزید. این اعتقاد به کنترل باد، به وسیلهٔ گره به یونان باستان برمی‌گردد؛ جایی که در آن ادیسه یک کیسهٔ باد دریافت کرد تا در سفر به او کمک کند.^۲ در جادوگری آفریقای غربی، خواندن نام یک شخص در هنگام گره‌زدن موجب انتقال قدرت گره بر او می‌شد و تا زمانی که این گره باز نشود، او دارای این قدرت خواهد بود. اعتقاد بر این بود که در گره‌های جادویی، قدرت کشتن نیز وجود دارد. طبق یک نسخهٔ خطی قرون وسطایی، نردبان جادوگر از رشته با نُه گره ساخته شده است که نامرئی‌شدن آن باعث می‌شود یک قربانی با مرگ آرام بمیرد.^۳

به اعتقاد اهالی نندی در آفریقای جنوبی، یک مسافر در ابتدای مسیر چمنی را گره می‌زند تا کسانی که قصد دیدارشان را دارد، پیش از رسیدن او، وعدهٔ غذایی خود را تناول نکنند یا دست‌کم غذایی برای او باقی بگذارند.^۴

برخی از گره‌ها در عین جادویی بودن، خود محافظ از جادو نیز هستند؛ مثل گره‌هایی که به‌ویژه در هنگام تولد نوزاد برای راندن ارواح پلید و محافظت در برابر بیماری‌ها استفاده می‌شده است. در سراسر جهان، گره‌هایی در حکم تعویذ و طلسم دیده می‌شود. در کل،

۱. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، به کوشش زاخانو، لایپزیک، ۱۹۲۳م، صص ۲۴۵-۲۴۶.

2. Silver, p14.

3. Ibid.

4. Garbutt, H.W., "Native Witchcraft and Superstition in South Africa", *The Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*, 1909, p.532.

آنچه در عملکرد این گره‌ها و بندها مهم است، جهت‌دهی به نیرویی که در آن نهفته است. این جهت‌دهی بسته به مفید یا مضر بودن آن، می‌تواند مثبت یا منفی باشد.^۱ در همه این موارد، گره عامل پیوند یک پدیده با پدیده‌ها یا نیروهای دیگر است.

در طول تاریخ و در سراسر جهان، از طلسم گره، برای جذب و دفع انرژی استفاده می‌شده است. در ادبیات باستان، کمربندها غالباً جادویی به تصویر کشیده می‌شدند. پوشیدن آن‌ها برای مردان منجر به قدرتمندی آنان و استفاده زنان از آن‌ها باعث حفاظت‌شان می‌شد. به‌طور کلی، کمر بند بسته، نوعی حلقه بسته یا محیط را تشکیل می‌دهد و این دارای ارزش امنیتی و محافظتی است.^۲ در چندین جای کتاب مقدس کمر بند، به عنوان نمادی برای آمادگی و آماده‌سازی به‌کار رفته است. «ایشتر، الهه بابلی، کمر بند باروری را پوشید که وقتی برداشته شد، جهان نابارور گشت. هرکول در اسطوره یونانی خود به‌خاطر کمر بند با ملکه آمازون کشتی گرفت. آفرودیت رومی نیز کمر بند پوش است» گره ایزیس نیز نمادی شناخته‌شده در مصر باستان بود. این حرز یشم قرمز در کفن مومیایی مصری قرار داده می‌شد تا الهه ایزیس و پسرش هوروس در جهان بعد، از متوفی حفاظت کنند. سحر و جادو گره از دوران اولیه در مصر به‌خوبی شناخته شده بود. کتیبه‌ای در یکی از اهرام می‌گوید: «ایزیس و نفتیس با تارهای گره‌دار جادو می‌کنند».^۳ گره‌های موجود در کمر بند برای اجتماع انرژی یا برای آزادسازی آن به کار می‌رود. این نوع طلسم در طول تاریخ و در سراسر جهان مورد استفاده قرار گرفته است. جادوگران یونانی همیشه به استفاده از تارهای رنگی شناخته می‌شدند. گفته می‌شود که جادوگران بابلی با ایجاد گره‌ها در کمر بند و با خواندن افسون در هر گره، روح مردم را به دام می‌انداختند. یونانیان و مصریان باستان از طلسم گره برای مقاصد عشقی استفاده می‌کردند؛ اما بیشترین کاربرد آن در یونان و روم باستان، کاربرد محافظتی بوده است. نماد گره، بسیار فراتر از کاربردهای مذهبی آن تداوم یافت و نمادی از عشق بسیار رایج در قرون وسطا و رنسانس شد.^۴

«برای مردان غالباً از کمر بند برای نگه‌داشتن اسلحه استفاده می‌شد. در مبارزه، این

1. Eliade, p.110.

2. Cirlot, pp.172-173.

3. Silver, p.11.

4. Ibid.

پوشش برخلاف انواع دیگر لباس‌ها، مانعی برای حرکت تلقی نمی‌شد. تصور بر این بود که هر دوی آن‌ها (اسلحه و کمر بند) ناقل نیرو به رزمنده هستند؛ به‌عنوان مثال، ادیسه کمربندی می‌پوشد که به او امکان می‌دهد سه روز مستقیم شنا کند. پوشیدن کمر بند موجب دو برابری قدرت ثور (خدای تندر) می‌شود. بعدها کمر بند برای زنان، به نشانه‌ی بکارت تبدیل شد و اغلب با خاصیت جادویی در نظر گرفته می‌شد و به‌عنوان محافظ در برابر شرور تلقی می‌گشت. در ادامه‌ی این سنت، در مراسم ازدواج کمر بند نشان‌دهنده‌ی بکارت بود که شوهر آن را دریافت می‌کرد. روسپی‌ها در فرانسه طبق قانون از پوشیدن آن ممنوع بودند.^۱ «یکی از گره‌های مشهور، گره گردیانوس است که اسکندر کبیر، با اراده و به‌وسیله‌ی شمشیر، آن را برید و نمادی دیرینه از هزارتو است که برگرفته از گره‌خوردگی‌های آشفته و ناگشودنی رشته‌هایی است که با آن بسته شده است».^۲

«در نزد ایرانیان باستان، گیاهان خوش‌بو و زیبا از جایگاه و نقش بسیار مهمی برخوردار بودند. آنچه باعث باور ایرانیان به قدرت فراطبیعی و جادویی گیاهان و درختان شده، همان ماندن و فراری دادن نیروهای اهریمنی و موجودات خبیث مثل جن و آل و پری بوده است. گره‌زدن و استفاده از این گیاهان در نزد ایرانیان، به‌خاطر اعتقاد به تأثیر عمیق و قوی بوی این گیاهان است و با رفتارها و روش‌های آیینی در ارتباط با این‌گونه گیاهان و درختان، دور کردن شیاطین و خنثی‌ساختن نیروهای شرور همت می‌گماشتند».^۳

«در کموله، رسم به این‌گونه است که زنان خانه در شب اول ماه پس از اذان صبح، برگ سبز درختانی چون شمشاد، پرتقال، لیمو و نارنج را برای دفع بلا‌ی خانه و اعضای آن در چفت درِ اتاق‌ها و پنجره‌ها می‌آویزند و معتقدند سبزی‌نگی و خرمی و شادابی برگ‌ها، باعث دفع هر بلا‌یی می‌شود و برای اهل خانه خوشبختی می‌آورد».^۴ پورداود می‌گوید: «ایرانیان باستان برای ماندن دیوها از خانه و کاشانه‌ی خود و پاک‌کردن فضای زندگی،

1. Ibid, p.12.

۲. سرلو، ص ۶۵۴.

۳. متین، ص ۱۶۶.

۴. شهاب کومله‌ای، حسین، شالی و شالیکاری در فرهنگ عامه‌ی کومله: شرق گیلان، تهران، نشر قصیده‌سرا، ۱۳۸۲ش، ص ۱۷۰؛ حاتمی، حسن، باورها و رفتارهای گذشته‌ی کازرون، کازرون، نشر مؤلف، ۱۳۸۵ش، ص ۱۷۱.

شاخه‌های درخت انار را می‌سوزاندند و دود حاصل از آن را در محیط زندگی خود می‌پراکنند.^۱

۲.۳. گشودن گره برای دفع شر

گشودن گره در هنگام تولد نوزاد نیز در سطح وسیعی از جهان مورد توجه بوده است. در بسیاری از فرهنگ‌ها برای داشتن زایمان بی‌خطر از افسون‌ها و آداب ویژه‌ای استفاده می‌شد؛ از جمله این آداب عبارت بودند از: گشودن درها و پنجره‌ها، اجتناب از بافتن مو، داشتن کمربند، گره در لباس مادر، ممنوع بودن نشستن افراد با پاهای بسته در برابر نوزاد. در هند، یونان و روم در هنگام تولد نوزاد، تمام گره‌های نزدیک گشوده می‌شد. البسه مادر باید فارغ از گره می‌شد و موهای او بافته نمی‌شد.^۲

در *اوپانیشاده‌ها*، اشاراتی به گره قلب وجود دارد که منظور از آن، انسدادهای موجود در مرکز قلب است. هم‌چنان که *کاتو اوپانیشاد* می‌گوید: «وقتی که همه گره‌های قلب از همدیگر باز شوند، میرا تبدیل به نامیرا می‌شود. وقتی بلوک‌های موجود در قلب فرو بریزد، مرکز قلب مانند مراکز دیگر، دروازه ورود به قلمروهای بالاتر و به ابعاد روشن می‌شود. در این صورت، شکوه موجودات جاوید کاملاً نورانی می‌تواند تجربه و درک شود. مندرکه *اوپانیشاد* می‌گوید: وقتی گره قلب از هم باز نشود و همه شبها از بین برود، پس انسان به آخر خط می‌رسد و همه بالا و پایین را می‌بیند».^۳

«رومیان باستان معتقد بودند که گره‌ها می‌توانند باعث ناتوانی جنسی شوند؛ به‌ویژه هنگامی که سه رشته مختلف، سه بار گره می‌خورد. عمل سلتی‌ها در بستن مردگان، که اکنون به‌عنوان یک آیین توسط برخی از گروه‌های مدرن استفاده می‌شود، در اصل نشانه‌ای بود مبنی بر این‌که فرد مُرده، مراحل لازم و تصفیه لازم را برای قضاوت نهایی و رستگاری

۱. پورداد، ابراهیم، *هرمزنامه*، تهران، نشر انجمن ایران شناسی، ۱۳۳۱ش، صص ۱۴۶-۱۴۷.

2. Hastings, James, *Encyclopedia Religion Ethics*, vol. 7, published by T&T Clark, Edinburgh, 1994, p.750.

3. Cross, Stephen, "The 'Knot of the Heart' in Upanishadic Thought", *Temenos Academy Review* 12, pp.58-70, Published by The Temenos Academy Copyright, 2009, p.61.

انجام داده است»^۱.

«بومیان قبیله‌ی هویول در مکزیک رسم جالبی دارند. آنان پیش از برپایی زیارت سالانه، هرگونه گرهی را که در یکسال گذشته در یک قطعه رشته برای هر رابطه‌ی صمیمی داشته‌اند، می‌سوزانند و این نماد سوزاندن دلبستگی‌ها به شمار می‌رود. در روان‌درمانی تجربی، مریض نوعی گره یا توده را در مرکز قلب خود احساس می‌کند. این حالت می‌تواند ناشی از یک تنش، اضطراب، عصبانیت یا غم از دست‌دادن عزیزی باشد. درمان این مشکل با ازبین‌بردن و حل‌کردن آن توده انجام می‌پذیرد. زمانی‌که گره‌های شخصی و بین‌اشخاص گشوده شوند، در این صورت قلب و ذهن قادر به درک مراتب و اطوار دیگر خواهند بود»^۲.

۳.۳. گره برای پیمان و نذر

از جمله گره‌هایی که برای پیمان و نذر ایجاد می‌شود، گره روی درختان مقدّس است. «در آیین‌های اسطوره‌های دخیل‌بستن بر درختان برای سحر و جادو یا ابطال آن بوده است»^۳. اما تیلیش بر این عقیده است که «منظور از این عمل، مانند بسیاری از نمادهای دینی، اشاره کردن به ماورای خویش است»^۴. رسم گره‌زدن پارچه (و نیز اشیای دیگر مانند نخ، مهره، مو، زنجیر، قفل و سایر وسایل شخصی) روی درختان مقدّس تقریباً در هر فرهنگ شناخته‌شده‌ی انسانی فراتر از مرزهای مذاهب، جغرافیا و زمان وجود دارد. به‌ویژه این که «گره‌زدن پارچه‌ها به درختان مقدّس در آیین‌های درمانی، آغاز، ازدواج و مرگ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است»^۵. درختان به‌کاررفته در هر یک از این زمینه‌ها، معنای قدسی دارند و بیانگر اعتقاداتی هستند که از طریق مناسک مورد توجه قرار می‌گیرند. پرسش این است که مردم چگونه می‌توانستند احترام خود را نسبت به چنین درختان مقدّس نشان دهند؟ بدیهی است که با از

1. Silver, p.12.

2. Metzner, p.1.

۳. شوالیه و گریبان، ص ۱۹۵.

۴. تیلیش، پل، معنی و توجیه نمادهای دینی، ترجمه امیر عباس علی زمانی، مجله معرفت، ش ۱۹، ۱۳۷۵ش، ص ۳۹.

5. Frese, P. R., and S. J. M. Gray. 1995. Trees, Pages 26–33 in M. Eliade, ed., *The encyclopedia of religion*, Vol. 15. Macmillan Library Reference USA, Simon and Schuster & Macmillan, New York, p.32.

بین‌بردن برخی از لباس‌ها و اشیاء با ارزش خود و قراردادن آن‌ها روی درخت. این نماد، آمادگی آنان را برای قربانی خود در مقدسات نشان می‌دهد.

«در سرتاسر خاورمیانه و مراکش و همچنین در جنوب‌غربی آسیا، شایع‌ترین دلیل برای گره‌زدن پارچه‌ها بر درختان تقدیم نذر است».^۱ «شخصی از درخت کمک درخواست می‌کند (به‌عنوان محل زندگی ویلی، پیامبر خدا). او عهد می‌کند با تحقق این درخواست چه کاری انجام خواهد داد».^۲ این میثاق با گره‌زدن یک نخ یا پارچه محقق می‌شود. بر اساس گزارشی از یک خانقاه (۱۹۹۸) در ایران معمولاً با اتصال قطعات پارچه، زنجیر و قفل، تعهد به درخت انجام می‌شود.

«در فرهنگ ایرانی، اگر شوهری بخواهد زن دیگری بگیرد، زن اول برای ممانعت وی از این کار، سوره "یاسین" را می‌خواند و هربار که به کلمه "مبین" می‌رسد، به یک نخ ابریشمی گره می‌زند. این نخ از هفت نخ هفت‌رنگ به هم تابیده درست شده است و کسی که به هووی احتمالی می‌اندیشد و این نخ را گره می‌زند از وقوع زناشویی محتمل جلوگیری خواهد کرد».^۳ هم‌چنین «اگر بخواهند مشکلاتی برای کسی ایجاد کنند، جایی از لباس او را بی‌آن‌که بدانند، گره می‌زنند و می‌گویند: کارش را بستم».^۴ «نخ نازک یا ابریشم که گره بخورد، اگر بخواهند به‌آسانی باز شود، می‌گویند باز شو و گرنه می‌دهمت دست جهوده».^۵

البته باید به این نکته توجه داشت که «نذر» متفاوت از «خواست» است. هنگامی که شخصی نذر کند، این یک تعهد شرعی است که پس از تحقق مطلوب، فرد باید چیزی را در ازای آن پیشکش کند. لازمه این امر، مراجعه دیگر به درخت مقدس برای بازکردن گره

1. Smith, W. R., *Lectures on the Religion of the Semites*, Ed. J. Day. Sheffield Academic Press, Sheffield, 1969, p.317.

2. Dowden, K., *European Paganism: the Realities of Cult from Antiquity to the Middle Ages*, Routledge, London, 2000, p.137.

۳. ماسه، هانری، *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵ش، ص ۹۰.

۴. خوانساری، آقاجمال، *عقاید النساء*، به کوشش محمد کتیرایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۹ش، ص ۱۲۴.

۵. هدایت، صادق، *فرهنگ عامیانه مردم ایران*، به کوشش جهانگیر هدایت، ج ۲، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۹ش،

میثاق است؛ اما اگر از نوع درخواست شخصی باشد، با این پیش‌بینی که از طریق درخت تحقق یابد، درخواست‌کننده وظیفه دیگری برای برآورده کردن آن ندارد. اگرچه این دو نوع درخواست متفاوت است، در هر دو مورد، درخت «وسیله‌ای» است که از طریق آن قدرت‌های فوق‌طبیعی به کمک مؤمن می‌آیند. به قول رابرتسون اسمیت «لباس‌هایی که تاکنون جزئی از آن فرد بودند، می‌توانند به‌عنوان وسیله ارتباطات شخصی باشند. آن‌ها به معنای عادی هدایا نیستند، بلکه نشان میثاق هستند»^۱.

نتیجه این‌که، معنی دوگانه گره به فرایندی از آزادی اشاره دارد. شبکه‌ای از گره‌ها تنها چیزی نیست که ما را اسیر و گرفتار کند، بلکه شبکه‌ای از ارتباطات و تبادل نیروهاست. کل جهان به‌ویژه در سنت تتره، شبکه‌ای به‌هم پیوسته و بافته‌شده است. برخی از دانشمندان مدرن نیز به همین ترتیب نتیجه گرفته‌اند که «همه پدیده‌ها در شبکه‌های پیچیده و درهم‌تنیده و به‌هم پیوسته‌ای از انتقال انرژی هستند. مفهوم افراد شبکه‌ای، شامل کسانی است که یک علاقه مشترک دارند و از طریق شبکه به اطلاع‌رسانی و پشتیبانی از یکدیگر می‌پردازند. این امر، یکی از مواردی است که پتانسیل عظیمی را برای پیشبرد فرایندها و تحولات فردی و اجتماعی دارد»^۲.

ماهیت متناقض این نمادها که در هر دو معنای اسارت و رهایی است، در مفاهیم «سرنوشت» منعکس شده است و سرنوشت که تقریباً مطابق با آنچه در سنت‌های هندی «کرمه» می‌نامند، بر اساس نوع زندگی گذشته، اجتناب‌ناپذیر و ثابت است و بر این اساس، ما احساس می‌کنیم قربانی سرنوشت هستیم. ما می‌توانیم از طریق فرایند آزادسازی اراده، خود را از قربانی سرنوشت شدن نجات دهیم و بر سرنوشت خود حاکم باشیم.^۳

۳.۴. گره در ادیان

در میان یهودیان، اعتقاد بر این است که حاشیه گره‌زده در لباس، موجب ضبط ارواح شیطانی می‌شود. این یکی از دلایلی است که کاهنان، یقه بدون گره می‌پوشند؛ زیرا ارواح شیطانی که در آن‌ها گرفتار می‌شوند، موجب اختلال در مناسک دینی می‌شوند.

1. Smith, p.317.

2. Metzner, p.1.

3. Ibid.

در عرفان قبایل یهودی، جادوی شکل‌ها و حروف بسیار گسترده است؛ برای مثال، خاخام اسحاق در زوهر (تفسیر کابالیستی در تورات) می‌گوید: «تورات یک نام متعال و مقدّس است که به تمامه در سه گره ایمان قرار دارد».^۱ گره جایگاه خاصی در دین یهود دارد؛ چرا که تالیت، شال نماز، دارای هشت آویز و هر آویزی دارای پنج گره است. فریزر نقل می‌کند که مجلسی در بوردو، یک نفر را به دلیل از بین بردن کل خانواده با استفاده از بندهای جادویی گره‌دار به سوزاندن زنده در آتش محکوم کرد.^۲ در کتاب مقدّس هم اشارات مکرری به مراسم پیوند وجود دارد که محتوای آن بسیار شبیه گره‌زدن است. این تفسیر نیز وجود دارد که گره با تارهای محکمی از رازها، رمزها و معماها از حکمت و حقیقت محافظت می‌کند.^۳

یکی از مهم‌ترین کارکرد گره، کارکرد آن در ارتباط با میثاق که در ادیان ابراهیمی بسیار حایز اهمیت است. خود میثاق، پیوندی است که در صورت تحقق به وحدت منجر می‌شود. گره می‌تواند در حکم بیمه یا امری اطمینان‌بخش برای میثاق باشد و به شکل جادو، علیه کسی که ناقض میثاق است، عمل کند. در یهودیت، میثاق عدن و نیز میثاق خداوند با حضرت ابراهیم (ع) بسیار حایز اهمیت است؛ اما مهم‌تر از همه، میثاقی است که در طور سینا منعقد شده و بر اساس آن، بنی‌اسرائیل مکلف به تصدیق و اطاعت از احکام الهی شده‌اند و در عوض، خداوند قوم بنی‌اسرائیل را نجات داد و آنان را تعالی خواهد بخشید. کلمه بریت^۴ در عهد عتیق عبری معادل انگلیسی **Covenant**، به معنی میثاق است. بسیاری از محققان، از جمله دامبرل (۱۹۸۴:۱۶) و نیومن (۱۹۶۰:۴۵) بر این عقیده‌اند که این کلمه، به معنی گره و قید و بند است.^۵ بریت به معنی ارتباطی زنجیرگونه میان طرفین میثاق است. بر اساس میثاقی که در عهد عتیق میان یهوه و قوم بنی‌اسرائیل منعقد می‌شود، یهوه

1. Zohar, 3.36a.

2. Frazer, J.G., *The Golden Bough: Abridged Edition*, London, Penguin, 1998, p.290.

3. Guenon, Rene, *Fundamental Symbolism, the Universal Language of Sacred Science*, Compiled and edited by: Michel Valsan Translated from French to English by Elvin Moor, Guinta Essentia, and Cambridge, Uk, 1985, p.276.

4. Berit

5. Mweemba, Gift, *The Covenant under Threat of the Baal Fertility Cult: A Historical Theological Study*, Thesis in Dictionary of Theology, University of South Africa, 2010, p.98.

خدای انحصاری اسرائیل و اسرائیل قوم یهوه می‌گردد. «من خدای شما و شما قوم من خواهید بود» (سفر پیدایش: ۱۳). قوم خدا بودن به معنی رعایت ده فرمان خدا بود که مهم‌ترین آن‌ها، فرمان نخست بود که بر اساس آن، اسرائیل منحصرأ متعلق به یهوه می‌شد. رابطه مبتنی بر میثاق، رابطه‌ای بود که ملت اسرائیل بر اساس آن ایجاد و تعریف می‌شود. این ایده، محور داستان عهد عتیق است و سایر گفتارها، مواعظ و احکام حول محور این اصل قرار دارند؛ به عبارت دیگر، عهد عتیق تفصیلی از رابطه‌ی میثاقی میان بشریت و خداست.^۱

در یهودیت میثاق میان خدا و انسان انجام شده است؛ اما این رابطه به صورت یک کهن‌الگویی در روابط میان انسان‌های عادی با یکدیگر و نیز میان انسان‌های عادی و پادشاهان بوده است؛ هم‌چنان‌که شواهدی از آن را در آثار بر جای مانده از عهدنامه‌های هیتی‌ها و میتانی‌ها می‌توان دید. بعد از طرح رابطه‌ی میثاق در عهد عتیق، این نوع از رابطه، مفهوم دینی و ضمانت اجرایی ماورایی یافته است. از مهم‌ترین موارد این موضوع، پیوندهای زناشویی است که در آن‌ها معمولاً به‌صراحت یا به‌طور ضمنی، خدا با عناوین مختلفی چون یهوه، اهورامزدا و حتی میترا به‌عنوان شاهد و ضامن در نظر گرفته می‌شود.^۲

تفیلین، از جمله نمادهای این پیوند در یهودیت است. تعویذ نماز یا تفیلین یهودی، عبارت است از: دو محفظه‌ی چرمی کوچک که تسمه‌های کوچک چرمی بدان وصل شده و در درون آن محفظه، ورقه‌های نازکی از پوست حیوانات حلال‌گوشت قرار دارد که روی آن، چهار قطعه از تورات نوشته شده است. تفیلین، دست را بر بازوی دست چپ و تفیلین سر را روی پیشانی بین دو چشم می‌بندند. بند تفیلین دست را هفت دور از بالا به پایین می‌پیچانند و در آخر، آن را بین انگشتان دوم و سوم قرار می‌دهند. پیچیدن کمر بند تفیلین بین انگشتان به معنی میثاق با خدا و وفاداری بدان است. گره تفیلین بر پشت سر بسته می‌شود و جعبه‌ی تفیلین وسط پیشانی قرار می‌گیرد. یک یهودی با بستن تفیلین موظف می‌شود که همواره خدای یکتا را در نظر داشته باشد و از شرارت دوری کند. آشوریان با بستن روسری یک زن با هفت گره بر سر و دستان و پاهای فرد محتضر، در ضمن

1. Ibid, p.35.

۲. میری، الهه، بررسی تطبیقی میثاق در دین زرتشت و یهود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، به راهنمایی دکتر خلیل حکیمی‌فر، ۱۳۹۵ش، ص ۱۰۱.

نیایش‌های خود از مردوک می‌خواستند که او را آرامش بخشد. در این صورت، خدایان او را قبض روح می‌کردند. در روم باستان، لباس روحانی ژوپیتر می‌بایست فاقد گره می‌شد. انگشتر و هر چیز حلقه‌مانند در منزل او شکسته می‌شد.

گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱)، خاورشناس معروف مجارستانی، از رسم گره زدن برای ایجاد نوعی ارتباط با خداوند در سراسر کشورهای اسلامی سخن می‌گوید.^۱ هلموت ریکس (۱۹۲۶-۲۰۰۴)، زبان‌شناس آلمانی، خاطر نشان می‌کند لباس‌هایی که روی درختان مقدس باقی مانده‌اند، به معنای هدایایی معمولی نیستند؛ بلکه آن‌ها کانال‌هایی هستند که نمازگزار را با معبود مرتبط می‌کنند.^۲ در بین مسلمانان، این رسم وجود دارد که پارچه، لباس مستعمل و نخ روی زیارتگاه‌ها یا نرده‌های مقبره‌های مقدس و اشیای اطراف آن‌ها، مانند درختان مقدس می‌بستند. «رنگ‌های سبز و سفید، رنگ‌های برجسته پارچه‌های اسرائیل است. رنگ سبز در نواحی کشاورزی در شمال کشور و رنگ سفید در کویر در مناطق جنوبی رایج است. سبز نماد تداوم زندگی خوب و رنگ لباس فرشتگان خداست. سفید، نماد پاکی، دست‌های تمیز و نیت خوب است. سفید در شرایط کویری بسیار قابل مشاهده است».^۳

در اسلام، لباس احرام باید فاقد هر نوع گره یا بافت باشد. قرآن کریم در سوره فلق آیه ۴ از شر دمنندگان افسون بر گره‌ها می‌گوید. گفته شده منظور از دمنندگان افسون، زنانی بوده که بر لباس‌های خود گره می‌زدند و به قصد جادوگری بر آن می‌دمیدند. حتی گفته شده است که یک یهودی با زدن نه گره بر یک رشته، پیامبر اکرم (ص) را جادو کرد. علامه طباطبایی در *المیزان* در تفسیر سوره فلق می‌نویسد: «مردی یهودی، رسول خدا (ص) را جادو کرد و در نتیجه، آن حضرت بیمار شد. جبرئیل بر او نازل گشته، دو سوره معوذتین را آورد و گفت: مردی یهودی تو را سحر کرده و سحر مذکور در فلان چاه است، رسول خدا (ص)، علی (ع) را فرستاد آن سحر را آوردند. دستور داد گره‌های آن را باز نموده، برای هر گره یک آیه بخواند. علی (ع) هر گره‌ی را که باز می‌کرد، یک آیه را می‌خواند. به محض آن‌که گره‌ها باز و این دو سوره تمام شد، رسول خدا (ص) برخاست. گویا پای‌بندی از

1. Goldziher, Ignác, *Muslim Studies*, G. Allen, London, 1971, p.1.

2. Rix, H., *Tent and the Testament: a Camping tour in Palestine with some Notes on Scripture Sites*, William and Norgate, London, 1907, p.58.

3. Dafni, Amots, "Why are Rags Tied to the Sacred Trees on the Holy Land?", *Article in Economic Botany*, Vol. 56, No. 4, 2002, p.317.

پایش باز شده باشد».^۱

اهمیت گره و ارتباط آن با الگوی «پیوند» در نظام‌های دینی شرق هم کاملاً شناخته شده است. «در مراسم نودینی زرتشتی (نوزوت ایرانی و نوجوت پارسیان هند)، کمر بند مقدس (کستی) توسط موبد سه بار از چپ به راست دور کمر نودین پیچانده و با یک، سه یا پنج گره بسته می‌شود. این کمر بند که بدان «بند دین» نیز می‌گویند، از هفتاد و دو نوع نخ از پشم سفید گوسفند درست شده است. زرتشتیان این هفتاد و دو نوع نخ را نمادی از هفتاد و دو فصل کتاب یسنا می‌دانند. سه بار پیچیده شدن کمر بند، نمادی از سه اصل بنیادی زرتشتی، گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک است. در دور دوم، دو گره در پیش و در دور سوم، دو گره در پشت می‌زنند. در بندهشن، سخن از چهار گره است. گره نخست، شهادت بر وجود آفریدگار یکتاست؛ گره دوم، گواهی بر حقانیت مزدآپرستی است؛ گره سوم، گواهی بر پیامبری زرتشت؛ و گره چهارم، شهادت بر اصول سه‌گانه (گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک) است».^۲ هم‌چنین «بندی که در مراسم دینی به دور شاخه‌های برسُم^۳ بسته می‌شود، در اوستا "ایویانگه‌نه" نامیده می‌شود و امروزه آن را نیز "کُستی" گویند و به همان ترتیبی که به‌دینان کُستی بر میان می‌بندند، به همان‌گونه این بند به دور برسُم‌ها بسته می‌شود».^۴

ورونه، مهم‌ترین خدای گره‌ها و قید و بندها در هند است. او گناهکاران را به دام می‌اندازد. حتی او قدرت اسیرکردن و آزادساختن انسان‌ها را از راه دور دارد. در اکثر نقاشی‌ها، تصویر ورونه به صورت طناب به دست، دیده می‌شود. بندها و ریسمان‌های ورونه هم قدرت جادویی دارند. او از بندها و گره‌های خود نه با جنگیدن، بلکه تنها از طریق جادو

۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم،

۱۴۱۷ق، ص ۲۵۱.

۲. دوستخواه، جلیل، *اوستا*، چاپ چهارم، جلد دوم، تهران، مروارید، ۱۳۸۸ش، ص ۱۰۳۳.

۳. براساس متون زرتشتی، برسُم، دسته یا شاخه‌ای از گیاه یا درخت مقدس هوم یا انار بود که با اندازه و شمار مشخص، دینمرد زرتشتی در مراسم دینی و به قصد نیایش آفریدگار و ایزدانی که هستی انسانی و جانوری را ممکن ساختند، به کار می‌برد. گیاه برسُم، نماینده حضور عنصر اهورایی گیاهان و ایزد امرتات در مراسم دینی و ایزاری برای برپایی جشن آفرینش گیاه بود (میرزایی و میرزایی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۲۳).

۴. پورداد، ابراهیم، *خرده اوستا*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش، ص ۶۲.

استفاده می‌کند. ایندوره، آگنی و سوما، انسان‌ها را از قید و بندهای ورونه نجات می‌دهند. به نظر می‌رسد ایندوره قادر باشد انسان‌ها را نه تنها از بندهای ورونه، بلکه از بندهای اهریمنان نجات دهد. در ایران فریدون ضحاک را اسیر می‌کند و او را در پای دماوند به بند می‌کشد. در برخی از داستان‌های شاهنامه و اساطیر ایرانی بر غُل و زنجیر اهریمن اشاره شده است. در میان هند و اروپاییان، نمادهایی از طناب‌ها، قلاب‌ها و دام‌ها دیده می‌شود که برخی مربوط به خدایان و قهرمانان و برخی دیگر مربوط به اهریمنان هستند.^۱

۴. نتیجه

گره، از نمادهای باستانی است که در درازنای تاریخ و پهنای جغرافیا، با شکل‌ها، معانی و کارکردهای مختلف در حیات دینی انسان‌ها جاری بوده است. این اعتقاد از قرن نوزدهم به بعد در چارچوب نظام نمادها بررسی و فرضیات مختلفی در مورد منشأ، معنا و کارکرد آن ارائه شد. آنچه در این پژوهش، مورد تأکید قرار گرفت، این بود که این نماد، با نشانی از رازهای نهان، ریشه در کهن‌الگوی «پیوند مقدس» دارد. شواهد متنوع اسطوره‌ای، تاریخی و دینی، از ادوار و سرزمین‌های مختلف مطرح و معلوم شد پیوند میان مقدس و نامقدس برای انسان نیازمند امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در ثانی، گره به صورت یک رفتار بیرونی و میثاق به شکل درونی آن، ارتباطی جدی، وثیق و تعیین‌کننده را به نمایش می‌گذارد؛ همان‌گونه که در ادیان ابراهیمی، میثاق به نوعی پیمان اطلاق می‌شود که بسیار خطیر و حیاتی و پیامدهای ناشی از رعایت یا نقض آن، برای سرنوشت انسان بسیار تعیین‌کننده است. قدرت جادویی گره نیز در پرتوی این ارتباط جدی و مستحکم است. بدین صورت، نذرها و درخواست‌ها به‌ویژه درخواست‌های اساسی، مانند شفایافتن‌ها و خروج از مهالک از طریق گره‌زدن انجام می‌شده است. گویا در همهٔ این موارد، درست مانند میثاق، قول و قراری وجود داشته که بر اساس آن، داد و ستدی جدی میان انسان و نیروی ماورایی اتفاق می‌افتاده و انسان در قبال ادای حاجت، مکلف به رعایت پاره‌ای از تعهدات می‌شده است.

1. Eliade, p.95.

منابع

- برکاتی، سیده اکرم، علمی سولا، محمد کاظم، «بررسی رابطه مفهوم نماد و استعاره در اندیشه ریکور»، *فلسفه*، سال ۴۳، ش ۲، ۱۳۹۴ش.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، *آثارالباقیه عن القرون الخالیه*، به کوشش زائانو، لایپزیک، ۱۹۲۳م.
- پورداد، ابراهیم، *خرده اوستا*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۰ش.
- همو، *هرمزنامه*، تهران، نشر انجمن ایران شناسی، ۱۳۳۱ش.
- تلیش، پل، «معنی و توجیه نمادهای دینی»، ترجمه امیر عباس علی زمانی، *مجله معرفت*، ش ۱۹، ۱۳۷۵ش.
- حاتمی، حسن، *باورها و رفتارهای گذشته کازرون*، کازرون، نشر مؤلف، ۱۳۸۵ش.
- خوانساری، آقاجمال، *عقاید النسا*، به کوشش محمد کتیرایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۴۹ش.
- دوستخواه، جلیل، *اوستا*، چاپ چهارم، جلد دوم، تهران، مروارید، ۱۳۸۸ش.
- سرلو، خوان ادواردو، *فرهنگ نمادها*، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران، انتشارات دستان، ۱۳۹۲ش.
- شوالیه، ژانن و گبران، *آلن فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، تهران، نشر جیحون، ۱۳۷۹ش.
- شهاب کومله‌ای، حسین، *شالی و شالیکاری در فرهنگ عامه کومله: شرق گیلان*، تهران، نشر قصیده‌سرا، ۱۳۸۲ش.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.
- فکوهی، ناصر، «نگاهی بر رویکرد تفسیری کلیفورد گیرتز با تاکید بر تفسیر او از پدیده دینی»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، ش ۳۱، پاییز ۱۳۸۶.
- فولادی، محمد، حسن‌پور، مریم، «نقش نماد و نمادگرایی در زندگی بشر؛ تحلیلی جامعه‌شناختی»، *مجله معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال ششم، ش ۴، پیاپی ۲۴، ۱۳۹۴ش.
- کاظمی، لیلا، «فلسفه نمادها و علت کارکرد آنها در آیین‌ها»، *فصلنامه زیباشناخت*، ش ۲۳، ۱۳۹۰ش.
- کوپر، جی.سی، *فرهنگ نمادهای آیینی*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۸ش.
- ماسه، هانری، *معتقدات و آداب ایرانی*، ترجمه مهدی روشن‌ضمیر، تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵ش.
- متین، پیمان، *مردم‌گیاه (گیاهان آیینی در فرهنگ و فولکلور ایران)*، تهران، نشر فرهامه، ۱۳۹۲ش.
- میرزایی، علی اصغر و میرزایی رشنو، محمد، «بررسی تطبیقی برسم در آثار دینی زرتشتی و نگاره‌های باستانی ایران»، *الهیات تطبیقی*، سال هشتم، ش ۱۸، ۱۳۹۶ش.
- میری، الهه، *بررسی تطبیقی میثاق در دین زرتشت و یهود*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، به راهنمایی دکتر خلیل حکیمی فر، ۱۳۹۵ش.

- هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، به کوشش جهانگیر هدایت، ج ۲، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۹ش.
- همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تیبان، ۱۳۷۷ش.
- Cirlot, J. E., *A Dictionary of Symbols*, Translated from the Spanish by Jack Sage published in the Taylor & Francis e-Library, Second Edition, 2001.
 - Cross, Stephen, "The 'Knot of the Heart' in Upanishadic Thought", *Temenos Academy Review* 12 pp.58-70, Published by The Temenos Academy Copyright, 2009.
 - Dafni, Amots, "Why are Rags Tied to the Sacred Trees on the Holy Land?", *Article in Economic Botany*, Vol. 56, No. 4, 2002.
 - Dillings, Walter, J., *Encyclopedia of Religion and Ethics*, Edited by James Hastings, Edinburg: t & t. Clark, Vol: 7, 1914, pp 748-51.
 - Dowden, K., *European Paganism: the Realities of Cult from Antiquity to the middle Ages*, Routledge, London, 2000.
 - Eliade, Mircea, *Images and Symbols*, Studies in Religious Symbolism, Translated by Philip Mairet, Published by Sheed Andrews and McMeel Inc. 1961.
 - Frazer, J.G., *The Golden Bough: Abridged Edition*, London, Penguin, 1998.
 - Friend, Hilderic, *Flowers and Flower-lore*, Oxford: Oxford University press, 1884.
 - Garbutt, H.W., "Native Witchcraft and Superstition in South Africa", *The Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*, 1909.
 - Geertz, C., *Religion as a Cultural System*, in, Banton, M. (ed.), *Anthropological approaches to the study of Religion*, Tavistock Publications, 1966.
 - Goldziher, Ignác, *Muslim Studies*, G. Allen, London, 1971.
 - Guenon, Rene, *Fundamental symbolism, the universal language of sacred science*, Compiled and edited by: Michel Valsan Translated from French to English by Elvin Moor, Guinta Essentia, and Cambridge. Uk, 1985.
 - Hastings, James, *Encyclopedia Religion Ethics*, vol. 7, published by T&T Clark, Edinburgh, 1994.
 - Metzner, Ralph, "Knots, Ties, Nets and bond in relationships", *The Journal of Transpersonal Psychology*, Vol. 17, No.1 San Francisco, California, 1985.
 - Mweemba, Gift, *The Covenant under Threat of the Baal Fertility Cult: A Historical Theological Study*, Thesis in Dictionary of Theology, University of South Africa, 2010.
 - Panek, Joseph, <http://www.aseekersthoughts.com/2010/08/knot-as-symbol.html>, 2010.
 - Piccaluga, Giulia, Translated from Italian by Roger DeGaris Revised Bibliography <https://www.encyclopedia.com/environment/encyclopedias-almanacs-transcripts-and-maps/knots>, 1987.
 - Smith, W. R., *Lectures on the Religion of the Semites*, Ed. J. Day. Sheffield Academic Press, Sheffield, 1969.

-
- Frese, P. R., and S. J. M. Gray. 1995. Trees, Pages 26–33 in M. Eliade, ed., *the Encyclopedia of Religion*, Vol. 15. Macmillan Library Reference USA, Simon and Schuster & Macmillan, New York.
 - Silver. Sam, Witch's Knot, <http://nordicwiccan.blogspot.nl/2014/01/witchs-knot.html>, 2014.